

ویژگی های سبکی شعر معاصر فارسی

أ.م.د عبد علي كاظم الفتلاوي

جامعة كربلاء

كلية العلوم السياحية

چکیده:

هدف از این مقاله شناساندن مختصات و ویژگی ها وصفات سبک شعر معاصر فارسی. شعر در زمان مشروطیت دارای خصوصیات و ویژگی ها و صفات ویژه ای است بحدی که میتوان آن را سبک ادبی مستقلی دانست. این سبک ادبی در تسلسل تاریخی ادب، بعد از مکتب بازگشت ادبی قرار میگیرد و در ادامه آن ادبیات فارسی معاصر قراردارد، شاعرانی چون ادیب الممالک فرهانی، میرزا زاده عشقی، اشرف الدین حسینی (نسیم الشمال)، ایرج میرزا، عارف قزوینی وأبو القاسم لاهوتی از شاعران زمان مشروطیت به شمار می‌رond چون سبک و طریقت ادبی آنها به این زمان نزدیک تر است. نویسنده‌گانی چون: میرزا ملکم خان کرمانی، عبد الرحیم طالب زاده، حاج زین العابدین مراغه‌ای و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله هم از نویسنده‌گان عصر مشروطه به شمار می‌آیند، با اینکه تعیین زمان بندی خاص تاریخی و علمی به معنای کلمه برای ادبیات فارسی معاصر کاری دشوار و غیر ممکن است ولی آغاز تاسیس سلسله پهلوی را میتوان آغاز ادبیات فارسی معاصر دانست.

١٠٧

این تحقیق از ویژگی های شعر فارسی معاصر و خصوصیات و صفات آن سخن میگوید، به بررسی روش ها و سبک های ادبی و نقدی در شعر فارسی معاصر می‌پردازد و آن را به (شعر کلاسیک و سنتی) تقسیم میکند سپس به بررسی تحلیلی قصیده و غزل و منتوی و ذکر مهمترین پیشگامان و شاعران آن میپردازد، (شعر فارسی نوین) و ذکر مهمترین خصوصیات آن از حیث قالب و وزن و همچنین صور خیال و مهمترین عیوب آن از جمله عدم رعایت قواعد زبان فارسی و جایگزینی میان صفت و موصوف و مضمون با ذکر مهمترین شاعران این زمانه و نمونه اشعار آنها نیز از جمله موارد مورد اهتمام در این پژوهش است.

پژوهشگر در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی در نگاشتن استفاده نموده است و از منابع فارسی مخصوص شاعران این دوره ادب فارسی معاصر بهره برده است، پژوهشگر ادعا نمیکند که پژوهش عاری از خطأ است ولی امید است مورد استفاده پژوهشگران و محققان در زمینه ادبیات فارسی قرار گیرد. از خدا خواهیم توفیق ادب.

کلید واژه ها: شعر فارسی، فارسی نوین، شعر کلاسیک، ادبیات فارسی.

مقدمه

هنگام سخن در مورد ادبیات فارسی معاصر اولین چیزی که به ذهن ما خطرور میکند تعیین مرزهای تاریخی آن به طور مستقیم و سپس طبقه بندی صحیح و علمی آن است، چون ما از نظر مقیاس ها و معیارهای روش شناختی، نیازمند شناخت مرزهای تاریخی و طبقه بندی آنها جهت ارائه تعریف

جامع علمی از یک علم یا انتقاد خاص و اصول آن علم یا انتقاد در همه ابعاد هستیم ، خاصه اینکه هنگام مطالعه تاریخ ادبیات و روش های ادبی ، تا حد زیادی به این عناصر احتیاج داریم . ادبیات معاصر فارسی ، طبق اعتقاد نویسنده ، در پایان ادبیات دوره مشروطیت آغاز می شود ، آنجا که ادبیات مدرن در مرحله ظهور قرار می گیرد.

ادبیات در زمان مشروطیت ، خود دارای خصوصیات ، ویژگی ها و فضای خاص مخصوص به خود است که آن را به یک سبک ادبی مستقل تبدیل می کند ، که از نظر توالی تاریخی، بعد از مدرسه بازگشت ادبی پدید آمده است و بعد از آن ادبیات معاصر فارسی به منصه ظهور می رسد . شاعرانی چون ادیب الممالک فراهانی ، میرزا زاده عشقی ، اشرف الدین حسینی (نسیم شمال) ، ایرج میرزا ، عارف قزوینی و ابوالقاسم لاھوتی به دلیل سبک و شیوه نگارش ، از شاعران عصر مشروطه به شمار می روند . چنانچه نویسنده‌گانی چون میرزا ملک خان کرمانی ، عبد الرحیم طالب زاده ، حاج زین العابدین مراغه‌ای و میرزا ملک خان ناظم الدولة از نویسنده‌گان مشهور زمان مشروطیت به شمار می روند ، با این حال تعیین مرزهای تاریخی دقیق و علمی به معنای کلمه جهت ادبیات معاصر فارسی امری دشوار محسوب می شود و تقریباً محال است . در حقیقت شروع سلسله پهلوی آغاز ادبیات معاصر فارسی محسوب می شود . براین اساس میتوان به تقسیم بندی زیر دست یافت:

١- ادبیات در مرحله رضا خان .

٢- ادبیات در نیمه اول پادشاهی محمد رضا تا ٢٨ مرداد سال ١٣٣٢

٣- ادبیات در نیمه دوم پادشاهی محمد رضا از ٢٨ مرداد ١٣٣٢ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال

١٣٥٧

٤- ادبیات بعد از انقلاب

امکان طبقه بندی شعر معاصر ایران از جوانب مختلف به شکل زیر وجود دارد :

- ١- از لحاظ محتوا و مضمون : در این طبقه بندی ، شعر به اجتماعی ، سیاسی ، عاشقانه و ترانه ، اخلاقی و آموزشی ، حماسی (حماسه ملی و مذهبی) و شعر کودکان تقسیم می شود .
- ٢- از نظر شکل و قالب ظاهری : ما می توانیم شعرهای موجود در این طبقه بندی را به دو بخش جامع ، کلاسیک و مدرن تقسیم کنیم ، منظور از شعر مدرن شعر شاعرانی است که از سبک نمایوشنیج و انقلاب وی در شعر پیروی می کنند ، در حالی که شعر کلاسیک در شعر معاصر فارسی شامل شعر شاعران و ادبیانی است که با قالب شعر خویش را به سبک سنتی و کلاسیک می سروند و از جریان شعری نیمایی پیروی نکردند اشخاصی چون دکتر مهدی حمیدی شیرازی ، رهی معیری ، امیری فیروزکوهی . دکتر صورتگر ، شهریار ، دکتر رعدی آذرخشی ، مهرداد اوستا و علی معلم .

ما می توانیم شعر معاصر فارسی را از لحاظ شکل ، قالب و وزن در جدول زیر طبقه بندی کنیم:

۱- شعر کلاسیک معاصر (سننی):

الف) قصیده

ب) غزل

ج) قطعه

د) مثنوی

ه) قالبهای سننی دیگر

۲- شعر معاصر مدرن:

الف) شعر نیمایی

ب) شعر سفید و آزاد

ج) موج نو

د) موج ناب و ...

میدانیم که در شعر معاصر فارسی قالبی با نام «چهارپاره» یا «چهارپاره» وجود دارد که در برخی موارد آن را «قطعه معاصر» هم می‌نامند در حقیقت میتوانیم این قالب و قالب‌های مشابه را حد فاصل میان شعر کلاسیک فارسی و شعر معاصر فارسی بدانیم.

دکتر محمد حقوقی که بدون شک یکی از بهترین کسانی است که شعر معاصر را به خوبی شناخته است در این باره چنین می‌نویسد : معمولاً قالب این اشعار(چهارپاره) می‌باشد و به زبانی میان شعر قدیم و جدید نوشته شده است و در حقیقت پلی است که این دو شکل را به هم مرتبط می‌سازد . (ادبیات امروز ایران ، دکتر محمد حقوقی؛ ص ۵۳۴)

بدون تردید بهترین کسی که اشعاری باسبک «چهارپاره» سروده همان فریدون توللی صاحب قصیده چهارپاره «دور» می‌باشد ، استاد حقوقی بخشی از آن را چنین ذکر کرده است:

دور آنجا که شب فسونگر و مست

خفته بر دشتهای سرد و کبود

(ادبیات امروز ایران ، دکتر محمد حقوقی؛ ص ۵۳۵)

«چهارپاره» را گاهی اوقات «دو بیتی پیوسته» هم می‌نامند .

۳- از لحاظ اسلوب: از این باب میتوانیم شعر معاصر عربی را به این معنا تقسیم بندی کنیم که برخی شاعران در شعر خویش سبک ادبی ویژه دارند خاصه اینکه شعر آنان از لحاظ وزن و مقیاس های نقد ادبی و اسالیب، پر ذوق و سرشار از ظرافت و نبوغ است. از این میان میتوان به رهی معیری،

مهدي حميدي شيرازي، فريدون توللي، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، مهدي اخوان ثالث، سلمان هراتي، قيسرامين پور وحسن حسيني اشاره نمود، درحالی که برخی ديگر شاعرانی تقليدي و سنتی هستند و برخی از آنان هم شعری پر از عاطفه و بدون فايده دارند:

جمعی شکوهن شعر وجلال هنر شدند جمعی دگر چو ما وز ما هم بتر شدند

(نگاه کنید سبک های شعر فارسي، دکتر سيد اسماعيل قافله باشي، ص ۱۷۱)

سابقه پژوهشی:

ويژگی های سبکی شعر نسیم شمال، علي رضا عباسی مقدم ، سبک شناسی شعر قيسرا مین پور (باتکيه بر نواوري بلاغي) ، چناري عبدال Amir.

روشهاي ادبی و نقدي در شعر معاصر فارسي:

در زير به شرح روش های ادبی و نقدي در شعر معاصر فارسي می پردازيم:

۱- شعر كلاسيك در ادبیات معاصر: شعر تعدادی از شاعران معاصر از لحاظ شکل و وزن و قافيه همان شعر كلاسيكی و سنتی فارسي است ولی از لحاظ محتوا و احيانا سبک ادبی از شعر سنتی و قدیمی بعيد می باشد ، بدون تردید نواوري در مضمون و محتوا و سبک به اين معنا نيشت که همه اشعار آنان باید از اين خصلت برخوردار باشد بلکه در شعر آنان اغلب سبک و جو شعر كلاسيكی هم وجود دارد و چه بسا بسياری از غزلیات آنها با غزلیات شعر قدیم مطابقت داشته باشد و از سبک ادبی عراق (مكتب ادبی عراق) تقليد نمایند یا گاهی از سبک ادبی هند (پیروی نمایند ، ما همچنین نواوري در مضمون و مباحثت را در اشعار آنها بسيار مشاهده می کنیم.

نکته ديگری که در اين زمينه باید به آن اشاره کرد اين است که شاعران سنتی ادبیات معاصر فارسي را می توان به دو گروه تقسيم کرد: تعدادی از آنها گرچه شعری كلاسيكی به لحاظ قافيه ، رديف ، وزن و قالب ، می سرايند ، ولی مخالف جنبش مدرنيته آغاز شده توسيط نيمایيوشیج نیستند ، حتی بعضی اوقات متوجه می شویم که اتا حدودی تحت تأثير آن قرار گرفته اند ، در حالی که عده ای ديگر تصور میکنند جريان ادبی نيمایي يك جريان خطرناک و خرابکارانه است به شدت با آن مخالفت ورزیدند بعنوان مثال دکتر مهدي حميدي شيرازي يكی از افرادی است که با جريان ادبی نيمایي به شدت مخالفت ورزیده وبه شکلی علنی اعتراض کرد و ما اين اعتراض را به شکل واضح در قصيدة «مساحبه و شوخی با نيمایا» و متن «پس از يك سال» می بینیم . برخی از اين متن ها بعنوان مثال ذكر می شود :

به شعر اگر چه کسی آشنا چو نیما نیست سوای شعر خلافی میانه ما نیست

اگر چه واسطه انس ما همان شعر است میانمان سر آن گفتگوست دعوا نیست

در حین سروden قصیده به بيان افکار و نظرات خویش پیرامون شعر می پردازد و در مورد شعر نيمایي چنین سروده است :

چنین سخن که تو را هست بوعجب سخنی است که باز با همه شیرینت گوارا نیست

سه چیز نیست در او وزن و لفظ و معنا نیست

(پس از یک سال، ص ۱۵۵)

دکتر حمیدی با جدیت بر التزام به وزن و قافیه در شعر تاکید میکند و این دو را در حقیقت «پایه های شعر» می داند ایشان در کتاب «فنون شعر و کالبدهای پولادین» در این خصوص چنین تصریح نموده است: «میخواهم در این خصوص نکته ای روشن نموده و بیان کنم که بنده از جمله کسانی نیستم که التزام به وزن و قافیه را برای مفاهیم و معانی شعری وضع کرده است و ساخت دست من نیست چیزی که این مفاهیم و معانی را وضع کرده همان عملکرد نوای ادبی و بزرگان شعر فارسی در طول دوران است ، من هیچ اعتقادی به الزامی بودن این مفاهیم ندارم و در نظر من این مفاهیم خود زندگی و حقیقت حیات هستند به نظر بند وزن و قافیه برای شعر بمتنزله چنگال و دندان برای شیر است و منقار و چنگال برای عقاب و بال و دم برای هوایپما و سکان برای کشتی و عقره ها برای ساعت است .

(فنون شعر و کالبدهای پولادین ان، دکتر مهدی حمیدی ، ص ۵۲)

ملک الشعرا بیهار در اثنای جوابیه خویش به صادق سرمد که او را به نوگرایی و تجدد فرا میخواند، چنین نقل میکند :

شاعرانی را که بردى نامشان کردی از روی ادب اکرامشان

بود طرزی عامشان

جمله در وزن و روی هم مشربند در عبارات دری هم مکتبند

گر جدا در مطلبند

گر نو آید در نظر شعر کسی احترامی نیست در شعرش بسی

هست فکرش نورسی

شعر نو و خوب از نظر ملک الشعرا بیهار شعری است که دارای تفکر و نظر جدید و نو باشد همانگونه که به نظر می رسد به دلیل عدم التزام به قوانین وزن و قافیه ایشان مخالف شعر نیمایوشیجی هستند چنین که میگوید :

هر که را فکر نوی بود وقوی شهرنی می کرد در نظم و روی

چون جناب مولوی

(دیوان ملک الشعرا بیهار، ج ۲، ۲۳۴)

این مجادله هنوز هم ادامه دارد و در کتاب ها و روزنامه ها به شکل دائمی مورد بررسی قرار میگیرد. حل این مشکل به دست نویسنده است چه بسا نیازمند تعریفی کامل و مفید و همه جانبیه از شعری باشد که محافل ادبی و هنری را از زمان ارسسطو تا کنون مزین و مجل نموده است .

اگر بخواهیم به شعر را تعریف کنیم در حقیقت (کلام و تخیل و احساس و عاطفه است) این تعریف را به ارسطو نسبت داده اند و در برخی از کتاب های منطق اسلامی هم به ان اشاره نموده اند؛ وزن و ردیف و قافیه در این حالت جزء ذاتی شعر به شمار نمی روند شاید اشعار شاعرانی چون: اخوان، فروغ، سهراب، آتشی، شاملو، سلمان هراتی، قیصر امین پور، شعری مترقی و خوب در این باب به حساب اید، ولی اگر بخواهیم قافیه و وزن را اساس شعر بدانیم پس بسیاری از شاعران نامبرده و امثال آنان شاعر به حساب نمی ایند.

امکان بررسی بیشتر این موضوع در مقاله ما وجود ندارد چون نیازمند تحقیق و بررسی کلی تر و جامع تر در سطح کتاب است، ولی درنتیجه برماست که تحقیقی همه جانبه شامل تعریف شعر به معنای حقیقی ارائه دهیم هر چند امکان رسیدن به تعریفی منطقی و کامل وجود ندارد حداقل این است که تعریفی عاقلانه و کامل خواهد بود.

در هر صورت نباید از ذکر این موضوع غافل ماند، به گونه ای که اگر اثری صاحب شهرت و نبوغ وجود داشته باشد - ولی به دور از این قوانین باشد - و ادبیان و نقادان آن را اثری والا و مقبول و خوب بدانند باز هم باید به ارزیابی و شناسایی آن پرداخت خاصه اینکه این اثر، اثر ادبی والا و غنی از شعر احمد شاملو و فروغ و علی معلم و مثنوی معنوی مولانا جلال الدین روکی و دیوان حافظ باشد.

۱۱۲

هیچ شکی نیست که تحقیق و بررسی پیرامون تعریف شعر امری ضروری می نماید ولی این موجب نمی شود که از روح زیبایی شناختی جلوه های شاعرانی چون شاعران سبک نیمایی، شعرهای سفید و سنتی بهره مند شویم. در هر مرحله و هر نوع از سبک های ادبی، اشعار خوب و بد وجود دارد بنابر این ما باید نکات مثبت این شعر را ارزیابی کنیم و منفی های آن را کنار بگذاریم:

شعر اگر اعجاز باشد بی بلند و پست نیست در ید بیضا همه انگشت ها یک دست نیست
غنی کشمیری

(دیوان غنی کشمیری، ص ۴۵)

بررسی شعر سنتی معاصر از لحاظ شکل و قالب: این گروه از شاعران در اغلب اوقات به قالب ها و شکل های شعر سنتی فارسی پاییند بودند ولی در وله اول قصیده و غزل و مثنوی را استفاده نمودند و بعد از آن از ترکیب بند و قطعه و رباعی و ترجیع بندها در وله دوم استفاده کردند.

در زیر به بررسی بیشتر برخی از این قالب ها میپردازیم:

ا-قصیده در زمان معاصر رایج بود چه قبل از انقلاب اسلامی یا بعداز آن برخی از شاعران قصاید محکم و متنین و زیبا و نوآوری به ساحت ادبیات فارسی تقییم نمودند و مضمون های جدید و نویی به آن اضافه نمودند شاعرانی مانند: بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، حمیدی شیرازی، مظاہر مصفّا، امیری فیروزکوهی، لطفعلی صورتگر، رعی آذرخشی، حسین مسروور، نعمت الله میرزاده، مهرداد اوستا، علی معلم و حمید سبزواری از بهترین شاعران ادب فارسی معاصر به شمار می روند. در زیر برخی از ابیات قصیده دکتر مظاہر مصفّا ذکر می شود.

بر در مادر غریبم پیش مادرند غریب
نی به سوی آسمانم ره نه در خاکم قرار
با کله بیگانه ام با پیرهن نا آشنا
فته تنهاییم از صادر ووارد ملول
خاکم از شش گوشه گینی است گویی ز آن جهت
دست من با دیده بیگانه است و پا با سر غریب
اشک خاک آلوده ام افتاده از چشم زمان زیر پای رهروان توده اغبر غریب
اهل پوج آباد هیچستانم از اقلیم نیست یا ز هیچ آباد پوچستان به دنیا در غریب

(مجله اینده، سال دوازدهم، شماره چهار تا شش، ص ۱۸۶)

ب- غزل : سبک غزل در شعر معاصر فارسی رواج زیادی یافت و یکی از سبک های زیبا و محبوب به شمار می رود ، بسیاری از شعرهای غزل سرشار از عواطف و احساسات هستند و گاهی از لحاظ مضمون و محتوا هم نواور محسوب می شوند شاعرانی چون : رهی معیری، علی اشتري فرهاد، هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی، شهریار، بژمان بختیاری، مشق کاشانی، اسماعیل خوئی، قیصر امین پور، احمد عزیزی، حسن حسینی، علی رضا قزووه و سپیده کاشانی از پیشگامان شعر غزل در ادب فارسی محسوب می شوند و در ادامه برخی از ابیات قصیده غزلی مشهور و زیبای شهریار ذکر می شود

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشدارویی وبعد از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز وفردای تو نیست من که یک امروز مهمان توام فردا چرا
نازنینما مابه ناز تو جوانی داده ایم دیگر اکنون ۱۱۳ نبا ۱۱۳ ناز ۱۱۳ نبا ما چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند در شکفتمن من نمی پاشد ز هم دنیا چرا
شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

(کلیات دیوان شهریار، ص ۱۶۳)

ج- مثنوی : میتوان گفت قالب مثنوی پرکاربردترین قالب های مورد استفاده شاعران در شعر معاصر است . از جمله مثنوی های معروف میتوان به مثنوی های حماسی، تعلیمی، عرفانی، غنایی و غزلی اشاره نمود . به نظر می رسد که (مثنوی غزلواره) یا مثنوی غزلی - غنایی سیطره بیشتری بر ساحت شعر معاصر داشته باشد ، چنانچه شاعر در آن به وصف احساسات عاشقانه و عواطف ناب در

قالب مثنوي پرداخته است و آن را زيبايي خاصی بخشیده است مثنوي هاي چون : «قصه اشك فسرده خون سرد» سروده نيمایوشیج ، مثنوى هاي «مردان» و «عاشقانه» از فروغ فرخزاد، «ساز محظبي» از رهی معيري، «روح مجنون رو سفيد از عشق ماست» از علی موسوی گرمارودی و مثنوى هاي حماسی عرفانی بعد از انقلاب اسلامی اشاره نمود که به توصیف شهیدان پرداخته است و از بهترین مثنوى ها در ادبیات معاصر فارسی است در زیر به برخی از نمونه های این مثنوى ها اشاره می شود :

ای شب از رویای تو رنگین شده سینه از عطر توام سنگین شده
 ای به روی چشم من گسترده خویش شادیم بخشیده از اندوره بیش
 همچو بارانی که جوید جسم خاک هستیم ز آلودگی ها کرده پاک
 ای در بگشوده بر خورشیدها در هجوم ظلمت تردیدها
 با توام دیگر ز دردی بیم نیست هست اگر جز درد خوشبختیم نیست

فروغ فرخزاد

(ديوان اشعار فروغ فرخزاد، ص ۴۳۰)

با که گویم بی تو چون آشفته ام کی به خامان سر این غم گفته ام
 بی تو جانم شعله ای سوزان شده وز لهیش جسم و جان پیچان شده
 ای دریغا آب اشکی ونمی کاین لهیب از آن فرو بنشانمی
 در همه تن فطره وارد آب کو آب را تنها درون جو بجو
 نیستم جو تا رود آبم ز سر آتشم آتش که می سوزد جگر
 آنچه در رگهای من جاری بود شعله های آتشی کاری بود
 آتش است اندر رگم جاری نه خون رو نه می ریزم چو آب ار رگ برون

علی موسوی گرمارودی

(سرود رگبار، ص ۱۱۹)

می وزد در من نسیم یاد تو می شوم فریاد در فریاد تو
 خاطرم عاطر شود زین رهگذار با تو شوق رویشم روح بهار
 آسمان پر می شود از بال من عرشیان بیخود شوند از حال من
 سید لب تشنگان کربلا در حصار کفر می خواند مرا
 می سراید عشق را از نای خون می تراود از لبس آوای خون

آشنای کربلا گام من است همه باد سحر نام من اسم
آفرینش را سرودى دیگرم در نماز خون سجودى دیگرم
موج نآرام بحر خون منم معنده اوجم شکوه بودنم
العطش لب تشنه ام جامی دهید از شکوه وصل پیامی دهید

صدیقه وسمقی

(جنگ سوره - پنجم، ص ۱۰۷)

۲- شعر فارسی نو : شعر فارسی نو به دست نیمایوشیج (پدر بی بدیل شعر نو) تاسیس شد و به دست یارانش ادامه داده شد و به مرحله کمال و پیشرفت رسید شعر نو معاصر فارسی را در دیدگاه کلی میتوان چنین تعریف نمود شعری است که از لحاظ شکل و قالب و مضمون و حتی سبک و بیان تماماً با شعر سنتی و کلاسیک در تضاد است، شعر نوین را به شهر نیمایی شعر آزاد و سفید و موج نو و موج ناب تقسیم بندی نموده اند .

۱۱۵

مهمنترین ویژگی های سبک ادبی در شعر نوین فارسی :

أ- از لحاظ قالب، شکل و وزن : شعر نیمایی به اوزان عروضی متصف است (یعنی به وزن های عروضی پاییند است) ولی به تعدد مقطع ها در بیت های شعری ملزم نمی باشد قطعه زیر به روشنی این مطلب را نشان میدهد :

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت
سرها در گربیان است
کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را!
نگه جز پیش پا را دید نتواند
که ره تاریک ولغزان است
و گر دست محبت سوی کس یازی
به اکراه آورد دست از بغل بیرون!
که سرما سخت سوزان است

مهدی اخوان ثالث

(زمستان، ص ۹۷)

همانگونه که ملاحظه می شود همه این ابیات از بحر هرج می باشد ولی اندازه قطعه ها با هم برابر نیست در حالی که وزن عروضی در شعر آزاد و سفید موجود نیست ولی از نغمه و موسیقی و لحن زیبایی برخوردار است که در حد خویش نوعی از انواع وزن و موسیقی این اشعار به شمار می رود ، در اینجا به برخی از نمونه های شعری اشاره می شود :

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار ، کفتری می خورد آب

یا که در بیشه دور ، سبزه ای پر می شوید

یا در آبادی ، کوزه ای پر می گردد

سهراب سپهری

(هشت کتاب ، ص ۳۴۵)

۱۱۶

خارها

خوار نیستند

شاخه های خشک

چوبه های دار نیستند

میوه های کال کرمخورده نیز

روی دوش شاخه بار نیستند

پیش از آنکه برگهای زرد را

زیر پای خویش سرزنش کنی

خش خشی به گوش می رسد

برگ های بی گناه

با زبان ساده اعتراف می کنند

خشکی درخت

از کدام ریشه آب می خورد

قیصر امین پور

× × ×

(گزیده اشعار فروغ فرخزاد ، ص ۴۳۶)

پس آفتاب سرانجام

دریک زمان واحد

برهاردو قطب نامید نتابید

تواز طنین کاشی آبی تهی شدی

فروغ فرخزاد

×××

(دیوان اشعار فروغ فرخزاد، ص ۴۳۶)

از کوچه های چادر ونجوا

رازی به برگ نارنج

رازی به آسمان آینه می گویم

از کوچه های چادر ونجوا

راهی به باغ نارنج

راهی به سبب راز

راهی به حوض آینه باید شد

منوچهر آتشی

(وصف گل سوری، ص ۱۲۰)

همانگونه که مشاهده میکنیم امکان تقطیع عروضی اشعار مذکور وجود ندارد ولی لحن و موسیقی زیبا و آرام بخش و وزنی ویژه دارد که میتوان از شنیدن آن لذت برد.

بالطبع همه اشعار آزاد و سفید از لحاظ موسیقی غنایی برابر نیستند برخی از آنها لحن و موسیقایی کمتر از برخی دیگر دارند و نمونه آن اشعار احمد شاملوست که در اشعارش بر لحن و موسیقی و وزن تاکید ندارد و این در حالی است که فروغ فرخزاد بر لحن و موسیقا و وزن بیشتر تاکید دارد.

بیشتر اشعاری که با عنوان موج نو و موج ناب منتشر شده اند فقد لحن و موسیقی هستند و بهتر است آنها را شعر منثور نامید تا این نامگذاری ها.

ب- از لحاظ صور خیال (تصویرگری ها) : صور خیال در شعر معاصر بخصوص در شعر پیشگامان آن، بسیار بکار گرفته شده است ، اشعار ادبیانی چون احمد شاملو، سهراب سپهri، فروغ فرخزاد، دکتور شفیعی کدکنی، قیصر امین پور، سلمان هراتی، حسن حسینی و غیره سرشار از صور خیالی و تشییه های زیبا و مبتکرانه و نوآور است .

استعاره هم در شعر معاصر نوین به شکل زیادی مورد استفاده قرار گرفته است میتوانیم استعاره را بارزترین ویژگی های شعر بدانیم ، در زیر به برخی از ابیات دارای استعاره اشاره می کنیم :

هنوز در فکر آن کلاع ام در دره های یوش

با قیچی ای سیاه اش

بر زردی بر شته گندم زار

با خش خشی مضاعف

از آسمان کاغذی مات

قوسی برید کج، و رو به کوه نزدیک

با غار غار خشک گلوی اش

چیزی گفت که کوه ها بی حوصله

در زل آفتاب تا دیرگاهی آن را با حیرت

در کله های سنگی شان تکرار می کردند

احمد شاملو

۱۱۸

(دشنۀ در دیس، ص ۴۲)

دست تابستان یک باد بزن پیدا بود

سفردانه به گل

سفرپیچک این خانه به آن خانه

سفرماه به حوض

ریزش تاک جوان از پل خواب

پرش شادی از خندق مرگ

گذر حادثه از پشت کلام

سهراب سپهری

(هشت کتاب، ص ۲۸۲)

استفاده زیاد از استعاره و کنایه و آرایه های ادبی مشابه برخی اوقات منجر به ابهام و پیچیدگی

شعر معاصر شده است.

ج- عدم مراعات قواعد زبان فارسی : بعضی اوقات ملاحظه می شود که برخی از شاعران شعر نوین در نگاشته های خویش هیچ تاکیدی بر قواعد زبان شناسی ندارند یا بینش ادبی ساده ای هم در جهت رعایت این قواعد ندارند و تنها ترکیبات و قطعه هایی مغایر با قواعد زبان فارسی آورده اند ، این امر به شکل واضح در شعر شاعران قبل از انقلاب و حتی بعد از انقلاب رویت می شود احمد شاملو به شکلی خاص به این نوع ترکیب ها معروف است .

متاسفانه این نوع عدم التزام به قواعد زبان شناسی به شکل زیاد در دوره اخیر رایج شده است و عدم التزام از چهارچوب شعری خارج شده تا به روزنامه ها و مقاله ها و رادیو و تلویزیون برسد باید به دنبال راه حل ریشه ای در مورد آن باشیم تا بتوانیم شعری خوب داشته باشیم و آن را از فرو افتادن در ورطه فساد گرامری نجات دهیم چون زبان فارسی بدون تردید یکی از مهمترین مظاهر فرهنگ و هویت ملی ماست.

د- جابجایی میان صفت و موصوف : همانگونه که در پیش گفته شد و با استناد به قواعد زبان فارسی اضافه نمودن این نکته مهم ضروری است که شعر نوین جابجایی زیادی میان صفت و موصوف دکتر سیروس شمسیا در این باره چنین نقل کرده است : « صفت مناسب برای موصوفی معین است که به موصوفی دیگر بخشیده می شود مثل اینکه گفته شود (شهر غرق در آرزوهای برفی سرد است) و سرما در حقیقت صفت برف است که به آرزوها داده شده است :

من سردم و می دانم

که از تمام او هام سرخ یک شقایق وحشی

جز چند قطره خون

چیزی بجا نخواهد ماند

۱۱۹

فروع فرخزاد

(نگاهی تازه به بدیع، دکتر شمسیا، ص ۹۵)

ه- شعر معاصر از لحظه مضمون : بررسی شعر معاصر از لحظه مضمون به دلیل فراوانی آثار و فراوانی اشعار معاصر کاری دشوار و گسترشده است و به خودی خود نیازمند بررسی در حد کتابی مستقل می باشد.

طبقه بندی و تقسیم آن هم باید براساس اصول آکادمیکی که به طور واضح بررسی شده است صورت پذیرد براساس نظر نویسنده این در گنج های ادب فارسی موجود نیست ، ما در اینجا به شکل مختصر به سرمهوضوعات شعری معاصر اشاره میکنیم که شامل موارد زیر است :

توجه به امور اجتماعی و بیان مشکلات و دردهای جامعه، غزل و عشق و به دنبال آن رومانسیه در شعر ، توجه به طبیعت، اهتمام زیاد به ظواهر ملی و وطنی ، نیستی و لا وجود در نظر برخی شاعران، توجه به ظواهر فرهنگ غربی، حماسه های ملی و مذهبی و عرفانی خصوصا اشعار بعد از انقلاب اسلامی ، مدیحه سرایی شهدا و جانفشنانی هایی انها خصوصا در اشعار بعد از انقلاب و بارزترین آنها اشعاری است که در بحبوه جنگ ایران و عراق و حادثه خونین مکه سال ۶۶ و رحلت جانگذار امام خمینی و حوادثی از این قبیل سروده شده است ، در زیر به برخی ابیات با مضمون جانفشنانی و طلب شهادت اشاره می شود :

برادر مبارزم زمزمه کن بهار را بچین ز شاخه یقین میوه انتظار را

بهار شد بهار شد وطن چو لاله زار شد تا که شمارد این همه لاله بیشمار را

بخوان بخوان ز دفترم شوکت این تبار را
ز نیستی بکش بر او پرده استمار را
به حربه مقاومت بکن ز ریشه خار را
به دوش و دستهایتان پینه افتخار را
به سینه تو دیده ام زلال چشمہ سار را
وه که به جان خریده ام لذت این شرار را
که عطر جامه اش چنین برذر ما قرار را
به اشک شویم این زمان ز چکمه اش غبار را
که سیل نور می کند ریشه شام تار را
به خون رقم زندن تا قصه روزگار من
خصم پلید را بکش به چاه شب بیفکنش
نشسته خصم خاروش به ساقه نگاه تو
سلاح گلفشانتان همیشه بوسه می زند
اوج دعای من توبی تو ای طلیعه فلق
سوخته پر منم به شعله مراد خود
یوسف کربلا مگر به پیشیاز آمده
به خون وضو گرفت تا برادر شهید من
سپیده در سپیده دم طلوع آفتاب بین

سپیده کاشانی

۱۴۰

(جنگ سوره - پنجم، ص ۶۸)

پای کوبان بر سردار آمدیم
صد نیستان نینوا در کربلا
در نیایش جان به جانان می دهیم
تا شهادت را از او آموختیم
در بهشت عشق مهمان خداست
ما شهادت را خریدار آمدیم
کربلا در ماست ما در کربلا
در نمازستان او جان می دهیم
با چراغ لاله شبها سوختیم
هر که چون ما با شهادت آشناست

مشق کاشانی

(هفت بند التهاب، ص ۷۱)

نوشیدن نور ناب کاری است شگفت این برسش را جواب کاری است شگفت
تو گونه یک شهید را بوسیدی بوسیدن آفتاب کاری است شگفت

قیصر امین پور

(جنگ سوره - پنجم، ص ۲۴)

نتیجه گیری

شعر در زمان مشروطیت دارای خصوصیات و ویژگی ها و صفات ویژه ای است بحدی که میتوان آن را سبک ادبی مستقلی دانست. این سبک ادبی در تسلسل تاریخی ادب، بعد از مکتب بازگشت ادبی قرار میگیرد و در ادامه آن ادبیات فارسی معاصر قراردارد، شاعرانی چون ادیب الممالک فرهانی، میرزا زاده عشقی، اشرف الدین حسینی (نسیم الشمال)، ایرج میرزا، عارف قزوینی وأبو الفاسد لاهوتی از شاعران زمان مشروطیت به شمار می روند چون سبک و طریقت ادبی آنها به این زمان نزدیک تر است. نویسندهای چون: میرزا ملکم خان کرمانی، عبد الرحیم طالب زاده، حاج زین العابدین مراغه ای و میرزا ملکم خان ناظم الدولة هم از نویسندهای عصر مشروطه به شمار می آیند، با اینکه تعیین زمان بندی خاص تاریخی و علمی به معنای کلمه برای ادبیات فارسی معاصر کاری دشوار و غیر ممکن است ولی آغاز تاسیس سلسله پهلوی را میتوان آغاز ادبیات فارسی معاصر دانست.

این تحقیق از ویژگی های شعر فارسی معاصر و خصوصیات و صفات آن سخن می گوید، به بررسی روش ها و سبک های ادبی و نقدي در شعر فارسی معاصر می پردازد و آن را به (شعر کلاسیک و سنتی) تقسیم میکند سپس به بررسی تحلیلی قصیده و غزل و مثنوی و ذکر مهمترین پیشگامان و شاعران آن میپردازد، (شعر فارسی نوین) و ذکر مهمترین خصوصیات آن از حیث قالب و وزن و همچنین صور خیال و مهمترین عیوب آن از جمله عدم رعایت قواعد زبان فارسی و جایگزینی میان صفت و موصوف و مضمون با ذکر مهمترین شاعران این زمانه و نمونه اشعار آنها نیز از جمله موارد مورد اهتمام در این پژوهش است.

پژوهشگر در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی در نگاشتن استفاده نموده است و از منابع فارسی مخصوص شاعران این دوره ادب فارسی معاصر بهره برده است، پژوهشگر ادعا نمیکند که پژوهش عاری از خطأ است ولی امید است مورد استفاده پژوهشگران و محققان در زمینه ادبیات فارسی قرار گیرد. از خدا خواهیم توفیق ادب.

المصادر:

- ادبیات امروز ایران ، دکتر محمد حقوقی، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۷
- پس از یک سال (دیوان حمیدی) ، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، شرکت انتشارات پازنگ، چاپ اول، تابستان، ۱۳۶۶
- جنگ سوره - پنجم (مجموعه از شعر ، داستان و...) واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۱
- دشنۀ در دیس، احمد شاملو، انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۶۶
- دیوان اشعار فروغ فرخزاد، با مقدمه بهروز جلالی، انتشارات مروارید، چاپ سوم، ۱۳۷۳
- دیوان غنی کشمیری ، به کوشش احمد کرمی، سلسله نشریات ماه، چاپ اول، ۱۳۶۲
- دیوان ملک الشعرا بهار، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۵
- زمستان، مهی اخوان ثالث انتشارات مروارید، چاپ یازدهم، ۱۳۷۰

- سبک های شعر فارسی، دکتر سید اسماعیل قافله باشی، دکتر اسماعیل قافله باشی، انتشارات حدیث امروز، قزوین، چاپ اول، ۱۳۸۰
- سرود رگبار، علی موسوی گرمارودی، انتشارات رواق، چاپ دوم، بدون تاریخ.
- فنون شعر و کالبدهای پولادین ان، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، انتشارات گلشنانی، تیرماه، ۱۳۶۳
- کلیات دیوان شهریار، مجموعه پنج جلدی، به تصحیح خود استاد، چاپ ششم، بدون تاریخ
- مجله اینده، سال دوازدهم، شماره چهار تا شش.
- نگاهی تازه به بدیع، دکتر شمیسا، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸
- وصف گل سوری، منوچهر آتشی، انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۷۰
- هشت کتاب، سهراب سپهری، کتابخانه طهوری، چاپ نهم، ۱۳۷۰
- هفت بند التهاب، عباس مشقق کاشانی، کنگره، بزرگداشت سرداران شهید استان تهران، کمیته انتشارات، چاپ دوم، ۱۳۷۶